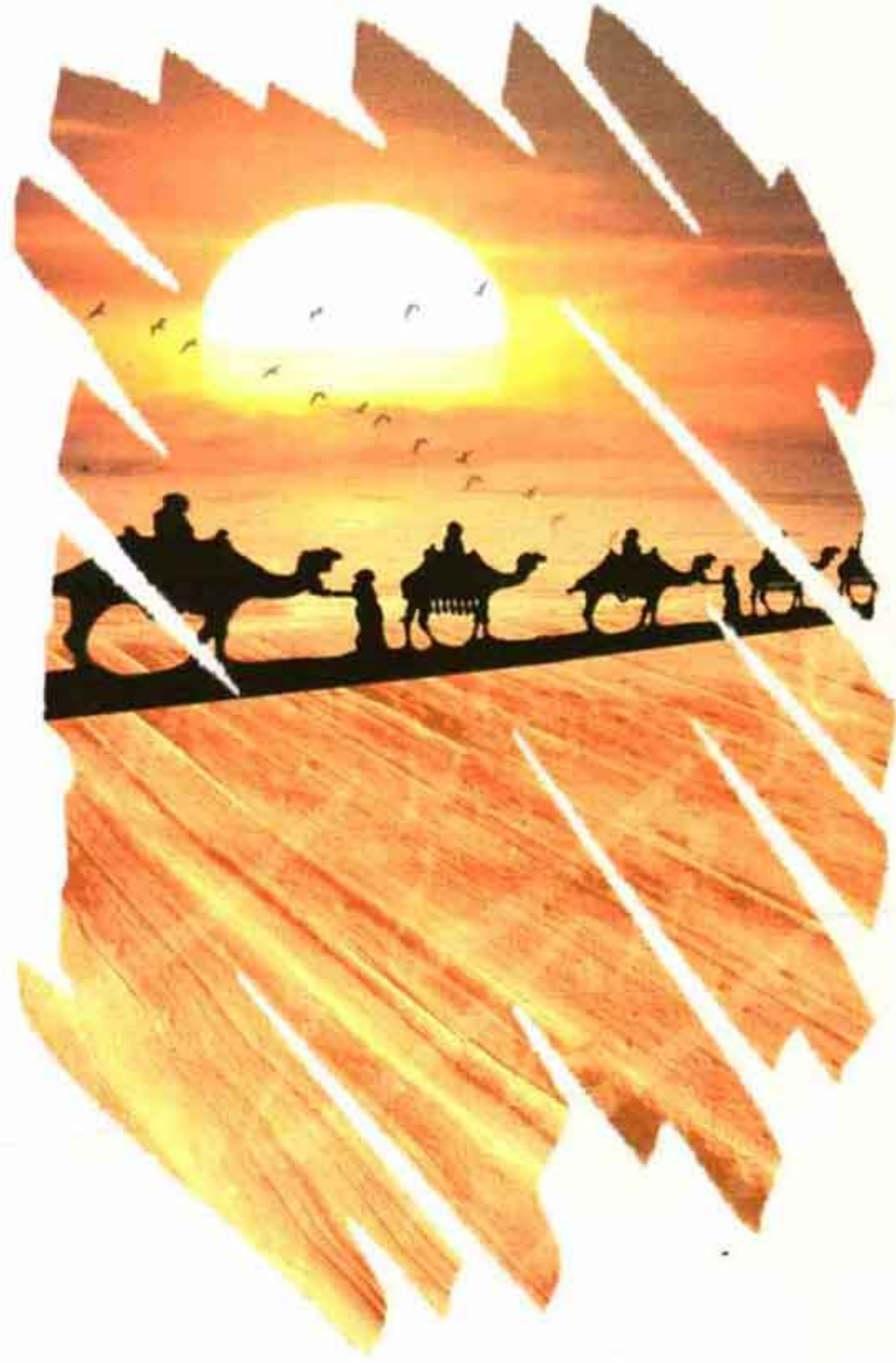


سَلَامٌ عَلٰی قَلْبِ زَيْنَبِ الصَّبُورِ



نَشْرُوح

خيابان ارم - تلفن : ۷۷۴۱۶۳۹

شاپک: ۲-۶۸-۶۷۹۰-۹۶۴

مہدی (عج)

و زینب علیہا السلام

محمد رضا فوادیان



نشر روح
قم: خیابان ارم
تلفن: ۷۷۴۱۶۳۹

مهدی عبدالله وزینب علیها السلام

محمد رضا قوادیان

صفحه آرا: سید جاوید (علیرضا) حسینی

چاپخانه: دانش

قطع رقی / ۶۴ صفحه

چاپ اول: بهار ۱۳۸۳

تیراژ: ۵۰۰۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۶۴-۶۷۹۰-۶۸-۲ ISBN 964-6790-68-2

۲۵۰ تومان

فهرست مطالب

۸.....طلیعه

فصل اول: پیوندها

۱۱.....۱. زینب علیها السلام و مهدی (عج) فرزندان فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام

۱۲.....۲. زینب علیها السلام و مهدی (عج) در آئینه کلام معصومین علیهم السلام

۱۳.....۳. یاد مهدی (عج) در کلام زینب علیها السلام

۱۶.....۴. یاد زینب علیها السلام در کلام مهدی (عج)

فصل دوم: شباهت‌ها

۲۵.....۱. شباهت در زمان

۲۷.....۲. شباهت اطرافیان

۲۸.....۳. شباهت یاری خواستن

۳۰.....۴. اجز جزیل پاداش خدمت به حضرت زینب علیها السلام

۳۲.....تمیز کردن حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام و عنایت امام زمان (عج)

۳۴.....۴. شباهت در سیره

۳۴.....کانون امید

۳۵.....عبادت

۳۹.....صبر

۴۰.....عزت

هجرت ۴۱

فصل سوم: رهیافت‌ها

۱- حضور زن؛ ۴۵

۲- نیابت؛ ۴۹

۳- حمایت ۵۰

۴- یا لثارات؛ ۵۴

۵- معرفت امام؛ ۵۵

خاتمه: توسل ۵۶

توصیه امام زمان (علیه السلام) به دعای فرج به حرمت حضرت زینب (علیها السلام) ۵۷

سفارش امام زمان (علیه السلام) به روضه خوانی حضرت زینب (علیها السلام) ۶۲

همدم حسین

بی یاد دوست عقده دل وا نمی شود	وین کار جز بخلوت شبها نمی شود
با سینه سینه داغ شهید و غم اسیر	دل جز بیاد دوست مصفاً نمی شود
در شرع ماست گرچه تولاً فروغ دین	دین معنیش بغیر تولاً نمی شود
ما را گل از محبت زهرا سرشته اند	مهرش دگر جدا زدل ما نمی شود
ره یافتن بساحت قدس شفاعتش	بی دوستی زینب کبری نمی شود
آن دختری که «ام ابیها»ش پرورد	آری بغیر «زین ابیها» نمی شود
یک زن که دوش بدوش ولایتست	تاریخ دیده است که پیدا نمی شود
چون کرد عزم نهضت خونین خود حسین	بشنید از سروش که تنها نمی شود
همراه برد عائله اش را از آنکه دید	بی زینبش قیام سراپا نمی شود

این زینب است همقدم و همدم حسین

نام وی از حسین مجزی نمی شود^۱

۱- این اشعار هفده بیت است از شاعر گرانقدر سید رضا مشهدی (مؤید)

طلیعه

تا قلم لب بر مرکب می‌زند	بوسه بر جا پای زینب می‌زند
می‌گذارد سر به صحرای جنون	می‌نگارد نقشی از دریای خون
می‌کشد آه از نهادی سوخته	وز ضمیر خیمه‌ای افروخته
کربلا می‌مرد اگر زینب نبود	شیعه می‌پژمرد اگر زینب نبود ^۱

بیش از هزار سال، فریاد و خروش حضرت زینب علیها السلام دختر امام علی علیه السلام در کنگره هستی طنین افکنده و انعکاس آن را می‌توان در لحظه لحظه تاریخ به گوش جان شنید.

سکان دار عالم هستی؛ امام مهدی علیه السلام به پاس فداکاری و خدمت‌های پیام رسان کربلا، عنایت ویژه‌ای به عمه بزرگوارش حضرت زینب علیها السلام دارد، و هر صبح و شام به یاد اوست، و در خاطراتی سر سبز، یاد حضرت زینب علیها السلام در گلوآژه‌های مهدوی شکوفا گشته است.

این نوشتار با بیان جلوه‌هایی از پیوند و شباهت‌های حضرت زینب علیها السلام و امام مهدی (عج) به رهیافت‌هایی در عصر غیبت اشاراتی نیز دارد.

حوزه علمیه قم

نهم ربیع الاول ۱۴۲۵

سالروز آغاز امامت امام مهدی (عج)

محمد رضا فؤادیان

پیوندها

پیوندها

۱. زینب علیها السلام و مهدی (عج) فرزندان فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام

اولین مرد مسلمان، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام - پدر بزرگوار شیر زن کربلا حضرت زینب علیها السلام - است^۱ و همچنین در «۲۱۴» حدیث وارد شده که امام مهدی علیه السلام دهمین فرزند حضرت علی علیه السلام است^۲.
فاطمه زهرا علیها السلام مادر بزرگوار زینب علیها السلام و مهدی (عج) است. بنا بر مشهور در پنجم جمادی الاولی سال ششم هجرت، اولین دخت زهرا علیها السلام در مدینه چشم به جهان گشود و خانه محقر مولا و همسرش را رونق بخشید^۳ و همچنین در «۱۹۲» روایت آمده که امام مهدی علیه السلام از اولاد حضرت فاطمه علیها السلام است^۴.
این اتحاد و پیوند در حسب و نسب گویای این حقیقت است که

۱- ترجمه ارشاد مفید، ج ۱، ص ۳۵۵.

۲- ر.ک منتخب الاثر، ص ۲۴۷؛ من هوالمهدی، ص ۳۹۱؛ او خواهد آمد، ص ۱۲۱.

۳- برخی ولادت حضرت زینب علیها السلام را در اوایل شعبان سال ششم و برخی دیگر در محرم سال پنجم و بعضی دیگر دهه آخر ربیع الثانی سال ۵ یا ۶ یا ۷ دانسته‌اند (ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۳).

۴- ر.ک منتخب الاثر، ص ۲۴۳؛ من هوالمهدی، ص ۸۹؛ او خواهد آمد، ص ۱۲۱.

پاکی، طهارت، شرافت و اصالت تبار، افراد را در زمان‌های مختلف پیوند داده و در مسیری گام بر می‌دارند که یک حقیقت است. درختی را که زینب علیها السلام حفظ و حراست نمود، آخرین فرزند این خاندان به ثمر و نتیجه و شکوفایی می‌رساند.

۲. زینب علیها السلام و مهدی (عج) در آئینه کلام معصومین

بارها، سیلاب اشک از دیدگان مبارک خاتم رسولان صلی الله علیه و آله به جهت مصیبت‌های این بانو جاری شد و برخی از مواقع، پیامبر، سخن از آن ایام به میان می‌آورد^۱ و او بارها، حوادثی را که قرار بود برایش رخ دهد، از لبان مبارک مادرش شنیده بود^۲ و امام علی علیه السلام به همین لحاظ، به هنگام خواستگاری عبدالله بن جعفر با او شرط نمود که - هرگاه زینب علیها السلام خواست با حسین علیه السلام سفر برود، با وی مخالفت نکند و این شرط را در ضمن عقد آورده بود.^۳

همچنین دو برادر بزرگوارش، دو گوشواره عرش الهی؛ به زینت پدرشان^۴ مصایب او را یاد آوری نموده بودند.

۱- الخصائص الزینبیه، ص ۱۵۵؛ ناسخ التواریخ، ص ۴۷.

۲- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۵۰.

۳- زینب الکبری، شیخ جعفر نقدی، ص ۱۲۹.

۴- نام زینب علیها السلام از دو کلمه «زین» و «اب» ترکیب یافته و به معنای زینت پدر است. او زینت

از این معصومین گرامی روایات زیبایی پیرامون امام مهدی علیه السلام نیز وارد شده است.^۱ جالب توجه آن که اگر اخبار و حوادث وارد بر بی بی دو عالم حضرت زینب علیها السلام در کتابهای اهل سنت، سانسور شده است، اما روایات نبوی پیرامون امام مهدی (عج) در کتابهای آنها زیاد به چشم می خورد، هر چند دست غرض ورزان از تحریف برخی احادیث امام مهدی (عج) نیز کوتاه نگردید.

به نظر می رسد، وارد شدن به این مسائل در آینه احادیث خالی از لطف و نکته نباشد و آن نکته لطیف عظمت حماسه ی زینب علیها السلام و مهدی علیه السلام باشد، زینب علیها السلام باعث ماندگاری عاشورا شد و در حقیقت دست مایه زنده ماندن شیعه و پشتوانه فکری تاروز ظهور است و امام مهدی علیه السلام یکی از پشتوانه های قیامش، عاشورا است.^۲

۳. یاد مهدی (عج) در کلام زینب علیها السلام

یکی از ویژگی های حضرت زینب علیها السلام علم سرشار و علم لدنی او می باشد. ابن عباس - که از فقها و مفسران برجسته عالم اسلام است و

⇒ امام علی علیه السلام است و وجود وی مایه افتخار خاندان ارجمند علی است. همچنین کلمه زینب علیها السلام در کتب لغت به معنای درخت شکوهمند و زیبا چهره و خوشبو است که این وجه هم خالی از نکته نیست. نهال زینب علیها السلام در این کانون به چنین درخت تنومندی تکامل یافت.

۱- ر.ک معجم الاحادیث الامام المهدی.

۲- ر.ک. فصلنامه انتظار، ش ۳ مقاله پورسید آقایی، عاشورا و انتظار.

عنوان «حبر» و «بحر» (سرشار از علم و دریای علم) را داراست و پیامبر در حق او دعا فرموده که: «اللهم فقهه فی الدین و علمه التَّأویل»؛ خدایا او را به احکام دین، عالم و آگاه گردان و معانی باطن قرآن را به او بیاموز. و در روز فقدانش، فرزند امام علی علیه السلام، محمد حنفیه ندا داد: «الیوم مات ربانی هذه الامة»؛ امروز ربانی این امت درگذشت^۱ - وقتی مواجه با عظمت علم حضرت زینب علیها السلام می شود، می گوید: «حدّثنی عقیلتنا زینب علیها السلام بنت علی»؛

بانوی فهیم و اندیشمند ما زینب علیها السلام دختر علی برای من روایت نمود^۲.

موقعیت علمی زینب علیها السلام به گونه‌ای بود که شوهرش عبدالله بن جعفر او را این گونه خطاب می‌کند: «یا بنت المرتضی و عقیلة بنی هاشم»؛ ای دختر مرتضی و ای بانوی خردمند بنی هاشم^۳.

و پیشوای چهارم شیعیان حضرت زین العابدین علیه السلام، پس از خطبه غزا و آتشین و پر محتوای او در کوفه در مقام تأیید رفعت علمی زینب علیها السلام به او می‌فرماید:

«انتِ بحمد الله عالمة غیر معلّمة و فهِمة غیر مفهّمة»؛

بحمد الله تو دانشمند بدون آموزگار و اندیشمند بدون استاد هستی^۴.

و به همین جهت زنان کوفه، توسط مردانشان از حضرت علی علیه السلام

۱- اسدالغابه، ج ۳، ص ۱۹۳؛ استیعاب، ج ۲، ص ۳۴۴.

۲- منتخب التواریخ، ص ۹۳؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۵۸.

۳- الخصائص الزینبیه، ص ۲۷.

۴- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۴.

خواستند که دخترش برای آنان جلسات علمی داشته باشد، او نیز پذیرفت و جلسات تفسیرش در تاریخ ثبت و درج است.^۱

حضرت زینب علیها السلام که در دودمان نبوت و امامت رشد یافته، احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را شنیده و روایت کرده است. وی علاوه بر آنکه «عالم»، «عقیله» و مفسر آیات الهی است،^۲ «محدثه» نیز می باشد، او روایات بسیاری از پدر، مادر و جد بزرگوارش در موارد گوناگون، از جمله در باره آخرین حجت الهی نقل نموده است، و اگر در این باره روایات زیادی از او به مانرسیده است، جلوه‌ای دیگر از مظلومیت آنان و شیعیان‌شان است. لذا یکی از روایات نورانی حضرت زینب علیها السلام در این خصوص، روایتی است که امام سجاد علیه السلام از عمه‌اش حضرت زینب علیها السلام نقل می کند که فرمود: «مادرم حضرت زهرا علیها السلام فرمود: هنگامی که فرزندم حسین علیه السلام به دنیا آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد من آمد، من حسین علیه السلام را در میان پارچه زردی نهادم و به آن حضرت دادم،

۱- خصائص الزینبیه، جزائری، ص ۲۷؛ اعلام النساء المومنات، محمود الحسون و ام علی شکور، ص ۳۸۱.

۲- روزی امام علی علیه السلام وارد منزل شد و سخنان حضرت زینب علیها السلام را در تفسیر آیه اول سوره مریم (کهیعض) شنید، بعد به او فرمود: ای نور چشمانم، شنیدم این آیه را تفسیر می کردی زینب علیها السلام عرض کرد: «پدر جان! جانم به فدایت، آری». حضرت علی علیه السلام فرمود: حروف این کلمه رمز و رازی دارد که مصائب جان سوزی را بیان می کند، آنگاه مصائب را بیان فرمودند و حضرت زینب علیها السلام گریه کرد. (ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۵۷). جالب توجه است که امام مهدی علیه السلام هم این آیه شریفه را بر مصائب امام حسین علیه السلام تفسیر کردند. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۰).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حسین علیه السلام را در آغوش گرفت، پارچهٔ زرد را از او دور ساخت و پارچهٔ سفید طلبید و او را در آن پارچهٔ سفید پیچید و به من فرمود: «خذیه یا فاطمة! فانه الامام و ابوالائمة تسعة من صلبه ائمة ابرار، والتاسع قائمهم»؛

ای فاطمه! این حسین را از من بگیر، که او امام است و پدر نه امامی است که از صلب او به وجود می‌آیند و همهٔ آنها از نیکانند و نهمی آنها (حضرت مهدی عج) قائم آنها می‌باشد.^۱

۴. یاد زینب علیها السلام در کلام مهدی (عج)

امام مهدی علیه السلام هر صبح و شام، به یاد عمهٔ بزرگوارش حضرت زینب علیها السلام است. زیرا در زیارت عاشورای موسوم به «زیارت ناحیه مقدسه» می‌فرماید:

«فلئن أخرتني الدهور، وعاقني عن نصرک المقدور ولم اکن لمن حاربک محارباً و لمن نصب لک العداوة مناصباً فلاندینک صباحاً و مساءً...»؛

پس اگر روزگار (ولادت) مرا به تاخیر انداخت و مقدرات، مرا از یاریت دور ساخت و با کسانی که با تو جنگ نمودند، کارزار نکردم؛ پس صبح و شام برایت ناله می‌زنم و به جای اشک خون می‌گیریم و به جهت اندوه و تاسف مصایب بر تو در سوز و گدازم تا

۱- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۱؛ ناسخ التواریخ، حضرت زینب علیها السلام، ص ۵۶۵.

اینکه از بی‌قراری مصیبت‌ها و غصه‌ها بمیرم».^۱

شیخ جلیل حاج ملا سلطان علی روضه خوان تبریزی - که از جمله عبّاد و زهاد بود - در عالم رؤیا به حضور حضرت بقیة الله (عج) مشرف شد، در رابطه با همین فقره از زیارت ناحیه سؤال می‌کند که آن مصیبتی که در آن به جای اشک خون می‌گریید کدام است؟ آیا مصیبت حضرت علی اکبر علیه السلام است؟

فرمود: «نه، اگر علی اکبر زنده بود در این مصیبت او هم خون گریه می‌کرد» سؤال می‌کند، آیا مصیبت حضرت عباس علیه السلام است؟ فرمود: نه اگر عباس در حیات بود او هم در این مصیبت خون گریه می‌کرد. عرض می‌کند، لابد مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام است؟ فرمودند: نه اگر حضرت سید الشهداء هم در حیات بود در این مصیبت خون گریه می‌کرد.

عرض می‌نماید، پس این کدام مصیبت است که من نمی‌دانم؟ فرمودند: آن مصیبت اسیری زینب علیها السلام است.^۲

و به راستی مصایب زینب علیها السلام، بسیار سخت و گران است، زیرا علاوه بر مصایبی که اباعبدالله علیه السلام مشاهده نمود، ایشان شاهد شهادت برادر و همچنین شاهد گرفتاری‌های اسارت بود. امام زمان علیه السلام در بیان و

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۷.

۲- العبقری الحسان، ج ۱، ص ۹۸، س ۷؛ فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۱۹۰.

توصیف آن مصایب می فرماید:

«و رُفِعَ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسُكَ، وَ سُبِيَ أَهْلُكَ كَالْعَبِيدِ، وَ صُفِدُوا فِي الْحَدِيدِ، فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ، تَلْفَحُ وَ جَوْهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ، يُسَاقُونَ فِي الْبِرَارِيِّ وَالْفَلَوَاتِ، أَيْدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ، يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ»؛

سرت بر بالای نیزه قرار داشت و خانواده‌ات همچون بندگان اسیر، در غل و زنجیر بر فراز جهاز چهارپایان قرار گرفتند، چهره‌شان از گرمای ظهر تابستان می سوخت و در بیابان‌ها و دشت‌های پهناور، پیش برده می شدند و دست‌هایشان به گردن آویخته بود و در بازارها آنان را می گردانند.^۱

این مصیبات آنقدر سخت و جانکاه است که هر کس از عمق آن مطلع باشد، آرام و ساکت نمی‌نشیند مگر آن که یاد امام زمان (عج)؛ منتقم این خاندان دل‌انسان را تسلی دهد.

سید عالم وثقه جلیل، حاج سید اسدالله اصفهانی - مجاور کربلای معلی - در سنه ۱۳۱۹ برای مؤلف کبریت احمر در کربلای معلی نقل کرد که حضرت حجت بن الحسن امام زمان علیه السلام در عالم خواب به وی فرمودند: از روز وفات عمه‌شان حضرت زینب علیها السلام اهل آسمانها جمع می‌شوند و خطابه آن مخدّره را که در کوفه خوانده است، می‌خوانند و گریه می‌کنند! و حضرت علیه السلام باید آنان را ساکت گردانند، که شیرازه عالم از یکدیگر گسسته نشود!^۲

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۲، صحیفه‌المهدی، ص ۳۰۴.

۲- ستاره درخشان شام، ص ۳۳۵، به نقل از کبریت احمر، ص ۸۵، چاپ اسلامیة.

همچنین عالم بزرگوار مرحوم ملا علی خیابانی در کتاب وقایع الأیام فی تتمه محرم الحرام داستانی طولانی را نقل می‌کند، که آن مقدار از آن را که مربوط به جریان فوق می‌باشد، در اینجا می‌آوریم.

راوی می‌گوید: در عالم رؤیا حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام را دیدم که در کمال آشفته حالی هستند! پیش رفتم و سلام کردم و از حال ایشان سؤال نمودم. فرمودند: بدان که، از روزی که عمه‌ام زینب علیها السلام وفات کرده‌اند، همه ساله در روز وفات آن مخدّره ملائکه در آسمانها مجلس می‌گیرند و خطبه آن مخدّره را که در بازار کوفه ایراد نموده، می‌خوانند و گریه می‌کنند، به طوری که من باید بروم و آنها را ساکت نمایم! امروز روز وفات عمه‌ام زینب علیها السلام بود و اکنون من از آن مجلس مراجعت نموده‌ام.^۱

در قصیده «ابن عرندس»^۲ که مورد توجه حضرت بقیه الله (عج) است^۳ درباره اسیری حضرت زینب علیها السلام این بیت‌ها به چشم می‌خورد:

و آل رسول الله تسبی نساؤ هم و من حولهنّ الستر یهتک و الخدر

و بانوان خاندان پیامبر به اسارت رفتند و پرده و پوشش را از ایشان باز ستاندند.

سبایا بأکوار المطایا حواسرا یلاحظهنّ العبد فی الناس و الحر

۱- ستاره درخشان شام، ص ۳۳۵، به نقل از وقایع الايام خیابانی.

۲- از علمای بزرگ شیعه که علاوه بر مراتب علمی دارای طبعی رسا و پرجاذبه بود. او در حیات و بعد از آن مورد توجه شیعیان است و هنوز مرقد وی در حله زیارتگاه عموم است.

۳- علامه امینی می‌گوید، «در میان اصحاب ما مشهور است که در هر مکانی این قصیده خوانده شود موجب تشریف فرمایی امام زمان علیه السلام می‌شود.» الغدیر، ج ۷، ص ۱۴.

به اسیرانی ماتم زده که بر محمل‌ها نشانده شدند و تماشاگران از آزاد و برده آنان را می‌نگریستند.

ورملة فی ظل القصور مصونة یناط علی اقراطها الدر و التبر

این در حالی بود که «رملة» دختر معاویه، در سایه کاخ‌ها آرمیده و زر و زیور بر گوشواره‌هایش آویخته بود.^۱

در این قسمت لازم می‌دانم به نکته بسیار دقیقی که امام زمان علیه السلام، در یک بیت شعر در مورد تماشای اسرای کربلا بیان فرموده‌اند، اشاره نمایم و آن بیت این است:

و هی باستار من الانوار تحجبها من اعین النظار

و آن بانوان در پوشش‌هایی از نور از چشم نظاره‌گران محفوظ بودند. مرحوم علامه شیخ هادی کاشف الغطاء، (متوفای ۱۳۶۱) در سوگ حضرت زینب علیها السلام اشعاری سروده بود که آن اشعار چنین است:

مغلولة الایدی الی الاعناق تسبی علی عجب من النیاق

زینب علیها السلام در حالی که دستهایش به گردنش بسته بود، او را به شتر ضعیف و لاغری سوار کرده و به اسارت بردند.

حاسرة الوجه بغير برقع لاستر غیر ساعد و الذرع

نه صورتش پوشیده بود و نه نقاب بر چهره داشت، بلکه به وسیله دست و ساعد دستش صورت را می‌پوشانید.

قد ترکت عزیزها علی الثری و خلفته فی الهجیر و العری

عزیزش (امام حسین) را روی خاکهای گرم بیابان، بدون سایبان، در برابر آفتاب سوزان رها کرد.

ان نظرت لها العیون و لولت او نظرت الی رؤوس اعولت
اگر چشمها به آن بدنهای چاک چاک شهدا بنگرند، فریاد می‌زنند و اگر به آن سرهای بریده بنگرند اشکها جاری می‌شود.

توَد ان جسمها مقبور و لایراها شامت الکفور
زینب علیها السلام در آن حال آرزو داشت که جسمش در زیر خاکها دفن شود، تا دشمنان عنود شماتت‌گر او را نبینند.

علامه کاشف الغطا مدتی بعد به همان اشعاری که سروده و در کاغذی نوشته بود مراجعه کرد ولی با تعجب دید این بیت بر آنها افزوده شده است.

«و هی بأستار من الانوار تحجبها من اعین النظار»
علامه بسیار تعجب کرد زیرا چنین شعری را او سروده بود. عجیب‌تر آن که وقتی برای نوشتن مجدد آن اشعار و پاک نویسی آن مراجعه می‌کند می‌بیند آن شعر در آن نوشته نیست.

حجت تاریخ علامه سید عبدالرزاق مقرر، متوفای ۱۳۹۱ هـ. این واقعه را بدون واسطه از مرحوم کاشف الغطاء نقل کرده می‌فرماید: هیچ بعید نیست که این بیت را حضرت حجت (عج) به این قصیده افزوده باشد.^۱

۱- علی الاکبر، سید عبدالرزاق مقرر، چاپ نجف اشرف، مطبعة حیدریه، ۱۳۶۸ هـ. ص ۲۱.

آیه‌الله غروی در خصوص این بیت می‌نویسد:

شاید منظور از انشای این بیت و محتوای آن این باشد که تماشاگران به نوری که از حضرت زینب علیها السلام ساطع بود توجه نمودند... و خلاصه آنکه این انوار الهی آنها را احاطه نموده بود و این عظمت و جلالت آسمانی سبب گردیده بود که مردم نتوانند چشم در چشم آنان بدوزند و نظر ناپاک بر آن بیاندازند...، یعنی این جلال و عظمت، مانع از اراده سوء نسبت به آنان شده اگر چه دشمنان بر این مخدرات سیطره داشتند لکن با صیانت الهی، آنها محفوظ ماندند.^۱

۱- المختار من کلمات الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۳۸-۲۳۳. لازم به ذکر است جهت اختصار به برخی از این ابیات اشاره شده و این ابیات در کتاب «المقبولة الحسينیه»، ص ۶۳، طبع الحیدریه نجف اشرف، سال ۱۳۷۲ چاپ شده است و علامه آقا بزرگ طهرانی در الذریعه، ج ۲۲، ص ۱۶ از این کتاب نام برده است و ناشر کتاب در مقدمه خود وجه تسمیه این کتاب را که چگونه مورد قبول اهل بیت علیهم السلام واقع شد، را نیز ذکر فرموده است. برای اطلاع بیشتر ر. ک شعراء الغری او النجفیات، ج ۱۲، ص ۳۶۴.



شبهات‌ها

شباهت‌ها

جلوهای دیگر از پیوند حضرت زینب علیها السلام و امام زمان علیه السلام، در شباهتهایی است که به نحو اختصار به آنها اشاره می‌شود:

۱. شباهت در زمان

وقتی به خطبه‌های آتشین قافله سالار اسرای کربلا و یاحتی به دوران زندگی او علیه السلام مراجعه می‌کنیم و صفحات تاریخ را ورق می‌زنیم، می‌بینیم که زینب علیها السلام همواره شاهد افرادی بوده است که عهدشکنی سر لوحه برنامه هایشان بوده است. او می‌بیند مردم با رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیمان شکنی بر ولایت امیرمؤمنان علیه السلام را آغاز نمودند و وقتی مادرشان حضرت زهرا علیها السلام آنها را بر این مسئله مهم «حمایت از ولایت» فرا می‌خواند. آنها ناجوانمردانه پشت پا به همه مسایل می‌زدند و حتی به خانه آنها حمله ور شده و بیت وحی را به آتش کشیدند^۱. دیری نپایید که شاهد خطبه‌های آتشین امیرمؤمنان علیه السلام بر فراز منبر کوفه شد که آنها را به وفای عهد فرا می‌خواند.

۱- برای اطلاع از اسناد و مدارک این تهاجم وحشیانه ر.ک: چشمه در بستر تألیف پورسیدآقایی.

او شاهد پیمان شکنی مردم با برادرش امام حسن علیه السلام بود و بالاخره شاهد بزرگترین بی‌وفایی در طول تاریخ می‌گردد. مردمانی که برادرش را دعوت نموده بودند آنگاه با شمشیرهای برنده و تیغ‌های از نیام کشیده به استقبال آمده بودند.

او در کوفه علی وار از پیمان شکنی و نقض میثاق برای آن‌ها سخن می‌راند. و به سان ائمه اطهار علیهم السلام هشدار می‌داد که شما در برابر این پیمان شکنی تاوان گرانی پرداخت خواهید کرد.

امام زمان علیه السلام هم از این عهد شکنی دل پر خونی دارد نسبت به انسان‌هایی که مسئله‌ای به نام «عهد»، «عقد» و «بیعت» را به دیار فراموشی سپرده‌اند. و یا افرادی که با خواندن دعای عهد، میثاق می‌بندند ولی در وفای به آن کوتاهی می‌کنند، لذا ایشان در نامه‌ای که به شیخ مفید (ره) می‌نویسد، می‌فرماید:

«... و لو ان اشیاعنا وفقهم الله لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا ولتعجّلت لهم السعادة بمشاهدتنا علی حق المعرفة و صدقها منهم بنا»؛^۱

اگر پیروان ما - که خدای آنان را در فرمانبرداری خویش توفیق دهد - برآستی در راه وفای به عهد و پیمانی که بر دوش دارند، همدل و یکصدا بودند هرگز خجستگی دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما، دیداری بر اساس عرفان و اخلاص از آنان نسبت به ما، زودتر روزی آنان می‌گشت.

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶؛ معجم الاحادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۴۶۲.

و در توقیعی دیگر ضمن ارائه همین موضوع، به پیامد عهد شکنی نیز اشاره می‌فرمایند:

«فانا نحیط علما بأنبائکم و لایعزب عنا شیء من اخبارکم و معرفتنا بالذل الذی اصابکم مذ جنح کثیر منکم الی ما کان السلف الصالح عنه شاسعاً و نبذوا العهد المأخوذ وراء ظهورهم کانهم لا یعلمون»^۱

به درستی که ما بر او ضاع و اخبار شما و جامعه شما به خوبی آگاهیم. چیزی از رخدادهای زندگی شما بر ما پوشیده نمی‌ماند و شرایط غم‌بار و دردناکی که به آن گرفتار آمده‌اید آنگونه که هست برای ما شناخته شده است، از آن زمانی که بسیاری از شما به راه و رسم ناپسندی که پیشینیان شایسته کردارتان از آن دوری می‌گزیدند، روی آورده و پیمان فطرت را به گونه‌ای پشت سر انداختید که گویی هرگز بدان آگاه نیستید و آن‌گاه (به کیفر گناهان) به این شرایط غم‌بار گرفتار گشتید.

پیامی که از این شباهت دستگیر ارادتمندان و دل سوختگان حضرت زینب علیها السلام و پیروان حضرت مهدی (عج) می‌شود، این است که، در عهد با امام زمان (عج) صادق و بر وفای به آن، کوشا باشند.

۲. شباهت اطرافیان

همواره دو طیف و دو گروه، بر گرد ائمه اطهار علیهم السلام بوده‌اند گروهی مخلص اما اندک! و گروهی نا سپاس اما بسیار!

حضرت زینب علیها السلام در خانه سرور زنان اهل عالم، حضرت زهرا علیها السلام،

۱- همان، ص ۱۷۵. همان ص ۴۶۰. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷.

اطرافیان مخلص را به تعداد انگشتان یک دست می‌بیند و همچنین، جان نثاران اندک گرد آمده بر شمع وجود مولی الموحدین امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام را ملاحظه می‌نماید، اطرافیان دو سرور جوانان اهل بهشت حسنین علیهم السلام را نیز خوب دیده است.

و از سویی ناسپاسان و نالایقان را نیز دیده، او شب عاشورا هفتاد و دو یار مخلص را گرد برادر می‌بیند و در روز عاشورا که صحنه امتحان و آزمایش و بروز ما فی الضمیر است؛ هر دو طیف و هر دو جناح را از نزدیک با تمام وجود حس می‌نماید.

امام زمان (عج) هم با این دو جناح مواجه است. او با مشاهده نامه اعمال، لیاقت و ارزش وجودی پیروان و در مواردی عدم آن را حس می‌نماید. این دو جناح در روز ظهور که روز بروز و ظهور افکار پیروان نیز هست، در برابر یا پشت سر امام زمان علیه السلام صف می‌کشند.

این مشابهت رهیافتی عظیم دارد؛ یاران مهدی (عج) حسینی‌اند، زینبی‌اند. اهل تلاش و عمل‌اند، نسبت به جامعه خود بی تفاوت نیستند، آنهایی که حاضرند جان را در طبق اخلاص بنهند تا حریم اهل بیت علیهم السلام محفوظ بماند، یاران واقعی امام عصر علیه السلام بوده و هستند.

۳. شباهت یاری خواستن

فریاد استنصار حضرت زینب علیها السلام در روز عاشورا تا به ابد در کنگره‌های جهان طنین افکن است. حضرت زینب علیها السلام در این رابطه

فریادی دارد که قلب سنگ دشمن نیز در برابرش نرم می‌شود. او وقتی حسینش را در گودال قتلگاه می‌یابد، رو به عمر بن سعد لعین می‌کند و فریاد بر می‌آورد که: «أیقتل ابو عبدالله وانت تنظر الیه؟»؛

ای عمر سعد! آیا حسین علیه السلام کشته می‌شود و تو شاهد صحنه هستی؟

عمر سعد در حالی که می‌گریست، صورتش را از زینب علیها السلام برگرداند. زینب علیها السلام فریاد زد: «وای بر شما آیا در میان شما یک نفر مسلمان نیست؟»^۱

امام مهدی (عج) نیز فریاد استنصار دارد او در روز ظهور به دیوار کعبه تکیه داده بانگ بر می‌دارد: «یا ایها الناس! انا نستصر الله و من اجابنا من الناس، و انا اهل بیت نبیکم محمد... و أسألكم بحق الله و رسوله و بحقی... و انصرونا ینصرکم الله»؛ «ای مردم ما از خداوند و هر که ما را اجابت کند یاری می‌جویم، ما اهل بیت پیامبرتان حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستیم... از شما می‌خواهم که به حق خدا و رسول خدا و به حق خودم بر شما - که حق قرابت رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد - ما را کمک کنید و کسانی را که به ما ظلم می‌کنند از ما باز دارید. آنها بر ما ظلم کرده‌اند، از شهر و فرزندان جدا کرده، بر ما ستم روا داشتند و شوریدند، اهل باطل حقان را گرفته بر ما افترا بستند. خدا را در باره ما در نظر آورید، ما را تنها نگذاشته و رهایمان نکنید، یاری‌مان کنید که خداوند شما را یاری می‌کند.»^۲

۱- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۶۵؛ سوگنامه آل محمد صلی الله علیه و آله، محمد محمدی اشتهاردی، ص ۳۵۷.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸؛ انتظار، ش ۳، ص ۶۴.

آیا ما حاضر به لبیک گفتن در مقابل این استنصار هستیم؟ اعمالی که قلب نازنین امام زمان (عج) را به درد می آورد نه تنها نصرت نیست بلکه ضد آن و خیانت است. آیا زمینه سازی برای ظهور بهترین نوع لبیک به این فریاد استنصار نیست؟

اجز جزیل پاداش خدمت به حضرت زینب علیها السلام

کوچک ترین خدمت به این خاندان، نزد خداوند متعال ارزش بسیاری دارد، ضمن آنکه آثار این ارادتها، مستقیماً نصیب خود انسان می شود و این بزرگواران نیز به بهترین وجه احسان می فرمایند ﴿هل جزاء الاحسان الا الاحسان﴾؛^۱ آیا جزای نیکی جز نیکی خواهد بود؟

منتهی خدمت نمودن به دختر فاطمه زهرا علیها السلام اجر و ثواب گران قدری دارد که نمونه زیر گویای این واقعیت است.

آقای جرج جرداق مسیحی اهل لبنان و صاحب کتاب «الامام علی علیه السلام صوت العدالة الانسانية» که نمی تواند سوار هواپیما شود، برای دیدن مقام معظم رهبری، مرز به مرز آمده بود تا به ایران رسیده بود. معظم له از او خیلی تجلیل و تمجید کرده، فرمودند: راجع به کتابی که در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام نوشتید، من به عنوان فرزند

امیرالمؤمنین علیه السلام از شما تشکر می‌کنم چرا که شما این کتاب را درباره پدر و مولای ما نوشتید. از آنجا که حضرت امیر علیه السلام هر کس را که به ایشان خدمتی بکند، بی‌جواب نمی‌گذارد، یک پیشنهاد دارم. جرج جرداق گفت: بفرمایید ایشان فرمودند: کار شما ناقص است، پیشنهادم این است برای اینکه صلۀ حضرت علی علیه السلام به شما برسد، الاحسان بالاتمام، کارت‌ان را تمام کنید و اتمام کار شما به این است که درباره عمۀ سادات حضرت زینب علیها السلام نیز کتابی بنویسید، اگر این کار را کردید من به شما قول می‌دهم که حضرت علی علیه السلام شما را بی‌جواب نخواهد گذاشت. او هم قبول کرد و گفت این کار را خواهم کرد. سپس بلند شد تا برود، من برای بدرقه ایشان آمدم ایشان به من گفت: بشرنی السید القائد بالاسلام (رهبر انقلاب مرا بشارت داد به این که مسلمان خواهم شد). و آن خدمۀ سیدتنا علیها السلام نتیجه هو الاسلام، صلته هو الاسلام. این که آقا فرمودند: بدون صلۀ نخواهد گذاشت این مژده را ایشان به من دادند که در آینده مسلمان خواهم شد.^۱

و ناگفته پیداست که هیچ عملی از دید نافذ این خاندان مخفی نمی‌ماند. و حکایت زیر گویای این واقعیت است.

۱- مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، مجله آب، آینه، آفتاب، ص ۳۱، به نقل از حجة الاسلام والمسلمین موسوی کاشانی.

تمیز کردن حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام و عنایت امام زمان (عج)

مرحوم آیه الله العظمی میرزا حسن شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو که کمر استعمار را با نوک قلمش شکست پیش از مرجعیت خویش، به همراه علامه مرحوم حاج ملا علی کنی به زیارت خانه خدا رفتند و پس از انجام حج به سمت شام سفر کردند.

در شام هنگامی که به زیارت بانوی دو سرا حضرت زینب علیها السلام شرفیاب شدند، دیدند بر اثر سهل انگاری خادم، حرم مطهر و ضریح تمیز و عطر آگین نیست. به همین جهت این دو عالم بزرگوار، لباسهای خویش را کنار نهاده و به نظافت و غبارروبی ضریح و حرم پرداختند. مرحوم میرزا هنگامی که خواستند خاکروبه‌ها را بردارند چون سطل زباله و دیگر وسایل نظافت نبود و چیزی نیافتند با دستمال و عبای خویش این کار را انجام دادند و این خدمت ناچیز را جز خداوند متعال و روح مقدس اهل بیت علیهم السلام و حضرت زینب علیها السلام و علامه کنی که همراه او بود، کسی ندید و نشنید و قضیه تمام شد و گذشت.

از سوی دیگر یکی از زائران خانه خدا از اهالی قطیف - عربستان سعودی - به زیارت خانه خدا می‌رود و در آنجا پولش تمام می‌شود. در مسجد الحرام دست به دعا برمی‌دارد و به جان جانان و امید امیدواران و پناه بی‌پناهان امام عصرها و نسل‌ها حضرت مهدی علیه السلام توسل می‌جوید تا خداوند متعال وسیله زیارت عتبات را برای او فراهم

نماید.

یکی از روزها همانگونه که پردهٔ خانه را گرفته بود و به ولی خدا، حضرت مهدی علیه السلام توسل جسته بود، می‌بیند، دستی به شانه‌اش رسید و گفت: «چه می‌خواهی؟»

او خواسته و تقاضای خویش را بیان می‌کند. صاحب آن دست مشتی لیره به او می‌دهد و می‌گوید: «به نجف که رفتی نزد میرزا محمد حسن برو و بگو: سید مهدی گفت: به این نشان که به همراه حاج ملا علی کنی، به هنگام بازگشت از مکه در شام به زیارت عمه‌ام زینب علیها السلام مشرف شدی و حرم را نظافت کردی و غبار روبی نمودی و با گوشه عبا و دستهای خود آنجا را پاکیزه ساختی، اینک بیست اشرفی به من بده. عالم ربانی مرحوم حاج شیخ ابراهیم شریفی اسدآبادی که در نجف در محضر مرحوم آیت الله میرزا علی آقا شیرازی فرزند مرحوم میرزای بزرگ بوده، از ایشان نقل می‌کند، تا آن مرد این نشانی را داد پدرم دگرگون شد و برخاسته و بیست اشرفی به او داد.

نگارنده از برخی بزرگان شنیدم که آن زائر هنگامی که به تهران آمد و خدمت علامه کنی رفت، جریان را گفت و آن مرحوم بسیار گریست و گفت: «چون میرزای بزرگ (ره) در نظافت و غبارروبی حرم کوشش بسیار داشت به این عمل مورد توجه محبوب دل‌ها قرار گرفته است»^۱.

۱- مرقدالعقلیه، حسنین سابقی، ص ۱۸۷؛ مراقد اهل بیت در شام، سید احمد فهری، ص ۷۴.

۴. شباهت در سیره

امام مهدی علیه السلام و عمه بزرگوارش علیها السلام از یک کانون و دودمان هستند و الگوهای مشابه دارند. زینب علیها السلام از مادرش حضرت زهرا علیها السلام درس چگونه زیستن را می آموزد و یوسف زهرا علیها السلام حجة بن الحسن العسکری (عج) نیز در این خصوص می فرماید: «فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة»^۱. لذا رفتار و سیره این دو بزرگوار شباهتهای فراوانی به هم دارد که به نمونه‌هایی اشاره می شود:

کانون امید

زینب علیها السلام مانند پدر بزرگوارش امام علی علیه السلام شب‌هایش را با دل‌جویی از مستمندان چراغانی می کرد. خانه زینب علیها السلام کانون امید گرفتاران و درماندگان بود^۲. او از اوان کودکی تا پایان عمر با این خصیصه زیست. روزی مهمانی به خانه علی علیه السلام آمد، غذا در خانه نبود. علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام فرمود: آیا غذایی در خانه یافت نمی شود؟ فاطمه جواب داد: نه، جز یک عدد نان که آن را برای دخترم زینب علیها السلام نگه داشته‌ام.

زینب علیها السلام سخن مادر را شنید، با اینکه در حدود پنج ساله بود به

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۵۳۷؛ بحار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۲- آل بیت النبی، ص ۵۰؛ پیام آور عاشورا، ص ۱۲۲.

مادر عرض کرد: نان مرا برای مهمان ببرید، من صبر خواهم کرد.^۱
وی فرزند سخاوت است او در خانه فاطمه علیها السلام و در سایه علی علیه السلام
بزرگ شده بود در خانه‌ای که در شأن آنها سوره «هل اتی» نازل شده
بود.^۲

و در زمانی که در مدینه در خانه شوهرش عبدالله بن جعفر بود،
کمر به خدمت بسته و شوهرش را در کمک رسانی به بی‌نویان و
دردمندان حمایت می‌کرد و واسطهٔ مهربانی بین آنها و شوهرش بود.^۳
خلاصه، ایثار او در حدی بود که در دوران اسارت، سه شبانه روز غذای
خود را بین کودکان تقسیم نمود، در حالی که خود گرسنه بود. امام
مهدی علیه السلام هم در این زمان غوث و کانون امید دردمندان و گرفتاران
است. ایشان در همین عصر گرفتاری‌های زیادی را بر طرف می‌نماید.

عبادت

حضرت زینب علیها السلام همانند پدر و مادر و جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و
برادرانش قبل از هر چیز بندهٔ خالص خدا بود و شیوهٔ بندگی در تمام
رفتار و حرکات او آشکارا دیده می‌شود. او دست‌پروردهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله،
فاطمه علیها السلام، و علی علیه السلام، و حسنین علیهما السلام بود. وی با الگو قرار دادن این

۱- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۴.

۲- الغدیر، ج ۳، ص ۱۰۷؛ احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۵۷.

۳- حضرت زینب علیها السلام فروغ تابان کوثر، محمد محمدی اشتهاردی، ص ۸۲.

بزرگوران بندگی و عبودیت را تا آخر عمر با معرفت کامل حفظ کرد، تا آنجا که روز یازدهم محرم در کنار بدن برادر با کمال خضوع و خلوص به خداوند عرض می‌کند: «اللهم تقبل منا هذا القليل القربان؛ خدایا این قربانی اندک را از ما قبول بفرما!»^۱ حتی در شب یازدهم با آن همه داغ و غم و اندوه و خستگی نماز شب را ترک ننمود. امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «در آن شب دیدم عمه‌ام زینب علیها السلام نشسته مشغول نماز و عبادت است»^۲.

به راز و نیاز و به سوز و گداز تو گویی که، زهرا بود در نماز و از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمود: هنگام اسارت می‌دیدم عمه‌ام زینب علیها السلام از کوفه تا شام با آن همه رنج و سختی و گرفتاری و پرستاری و تجدید داغها هیچگاه از عبادت خودنکاست. در یکی از نیمه‌های شب عمه‌ام را دیدم که بر اثر ضعف نماز شب را نشسته می‌خواند. علتش را پرسیدم، فرمود: سه شبانه روز است که جیره‌ی غذایی خود را به کودکان می‌دهم و بر اثر شدت گرسنگی قدرت ایستادن ندارم»^۳.

فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام هم می‌گوید: در شب عاشورا، عمه‌ام پیوسته در محراب عبادت ایستاده بود، نماز و نیایش داشت، با

۱- کبریة احمر، طبع اسلامیه، ص ۳۷۶، الطراز المذهب، ص ۷۵؛ حضرت زینب علیها السلام فروغ تابان کوثر، ص ۸۷.

۲- حضرت زینب علیها السلام فروغ تابان کوثر، ص ۸۷.

۳- ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۶۱ و ۶۲؛ الخصایص الزینیة، جزایری، ص ۲۱۶.

خداوند راز و نیاز و مناجات می‌کرد، و پیوسته اشک از چشم‌های او سرازیر می‌شد!^۱

امام کاظم علیه السلام نیز درباره آخرین حجت الهی (عج) می‌فرماید:
«يعتوره مع سمرته صفرة من سهر الليل بأبي من ليله يرعى النجوم ساجدا و
راكعا»^۲

بر اثر تهجد و شب زنده داری رنگش به زردی متمایل است. پدرم فدای کسی باد که
در طول شب در حال سجده و رکوع، تماشاگر طلوع و غروب ستارگان است.
و امام رضا علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «يكون... اعبدالناس»؛ او
عابدترین مردمان است.^۳

اما جلوه‌ای بارز از پرتو عبادات حضرت زینب علیها السلام و امام مهدی علیه السلام
در نحوه گریه بر سالار شهیدان امام حسین علیه السلام است.

فرموده است حضرت صادق که شیعیان	اندر بُکای جدم حسین هست حرمتی
آید به قدر بال مگس اشک چشم کس	باشد نشان عفو خدا و عبادتی ^۴
بیش از هزار سال بود کز غم حسین	فرزند باقی‌اش به حجابات غیبتی

۱- زینب قهرمان دختر علی علیه السلام، ص ۱۰۶.

۲- فلاح السائل، ص ۲۰۰؛ بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۸۱.

۳- روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۳۲.

۴- قال الامام الصادق علیه السلام: «من ذكر الحسين علیه السلام عنده فخرج من عينه من الدموع مقدار جناح ذباب، كان ثوابه على الله عزوجل، ولم يرض له بدون الجنة؛ هر کس به اندازه بال مگس، برای امام حسین علیه السلام گریه کند، خداوند او را پاداش داده و داخل بهشتش می‌فرماید»، ثواب الاعمال، باب ثواب البكاء على الحسين، ص ۳۳۹.

بر جد خود، امام زمان گریه می‌کند ای شیعه! گریه کن بر آن شه رعیتی^۱
 مرحوم سید نورالدین جزایری در خصائص زینبیه می‌نویسد:
 «توسل به حضرت سیدالشهدا علیه السلام افضل طاعات و اجل عبادات و اکمل
 قربات است، این مطلب هم معلوم است که هر کس زیادتراً از این
 خرمن فیض خوشه چید، مراتب او زیاده از دیگران گردید... حضرت
 زینب علیها السلام تمام عمر خود را صرف در تحصیل این عبادت جلیله نموده،
 چنان چه از روز عاشورا تا روزی که از دنیا رفت، همه روز مشغول گریه
 و ناله بود...»^۲

تاریخ به شهادت شوهر حضرت زینب؛ عبدالله بن جعفر می‌گوید:
 «حضرت زینب علیها السلام در تمام عمر برای سالار شهیدان علیه السلام گریه
 می‌نمود»^۳.

امام زمان علیه السلام نیز در «زیارت ناحیه مقدسه» خطاب به جد
 بزرگوارشان می‌فرماید:

«فلئن أخرتنی الدُّهور، وعاقنی عن نصرک المقدور ولم اکن لمن حاربک
 محارباً و لمن نصب لک العداوة مناصباً فلاندینک صباحاً و مساءً...»؛

پس اگر روزگار (ولادت) مرا به تاخیر انداخت و مقدرات، مرا از یاریت دور ساخت

۱- این اشعار هفده بیت از شاعر گرانقدر، میرزا احمد ذاکر است. ر.ک: یاقوت الکلام یا گنجینه
 فیوضات، ص ۱۷.

۲- ترجمه خصائص، ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام، ص ۱۴۲.

۳- الوافی فی المسألة الشرقیة، ج ۱، ص ۴۳؛ حیاة الامام الحسین علیه السلام، بساقر شریف قریشی،
 ج ۳، ص ۴۲۸.

و با کسانی که با تو جنگ نمودند، کارزار نکردم؛ پس صبح و شام برایت ناله می‌زنم و به جای اشک خون می‌گیرم و به جهت اندوه و تاسف مصایب بر تو در سوز و گدازم تا اینکه از بی‌قراری مصیبت‌ها و غصه‌ها بمیرم».^۱

صبر

حوادث تلخ و ناگواری که برای ام‌المصائب حضرت زینب علیها السلام رخ داد مانند غم فراق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، شهادت مادر، پدر و برادرانش علیهم السلام به حدی سنگین است که فقط خدا می‌داند، حضرت زینب علیها السلام چه مقامی در برابر تحمل این مصایب دارد که این‌گونه زبانحال او را نقل کرده‌اند:

«سأصبر حتى يعجز الصبر عن صبري»؛^۲

آن چنان صبر و استقامت کنم که خود صبر از صبر من ناتوان گردد.

لذا زائرین کوشش عرضه می‌دارند:

«لقد عجبت من صبرها ملائكة السماوات»؛ فرشتگان آسمان از صبر تو متعجب

هستند.

صبر از زبان عجز، ثناخوان زینب است عقل بسیط، واله و حیران زینب است

ایوب صابر است، ولیکن در این مقام حیرت زده، ز صبر فراوان زینب است^۳

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۷.

۲- الخصائص الزینبیه، ص ۳۲۷.

۳- صغیر اصفهانی.

امام مهدی علیه السلام نیز در طول امامت خویش شاهد چه ناملایماتی بوده، ولی صبر نموده است و شکیباً بوده است، و صبر این امام همام به صبر حضرت ایوب تشبیه شده است.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«علیه کمال موسی، و بهاء عیسی و صبر ایوب»؛^۱

او دارای کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب است.

عزت

حضرت زینب علیها السلام با پیروی از عزت حسینی اگر چه به ظاهر اسیر بود ولی در واقع یک لشگر اسیر او بودند. او با خطبه‌های آتشین دشمن را به ذلت کشاند. او همواره پیرو شعار «هیئات منالذلة» بود و امام مهدی علیه السلام نیز در تداوم عزت حسینی دولتی تشکیل می‌دهد^۲ که به وسیله آن اسلام و مسلمین عزیز می‌شوند: «تعزّ بها الاسلام و اهله»^۳. لذا در پگاه هر جمعه، عاشقان حضرتش در فراق او ندبه سر داده و عرضه می‌دارند: «این معزّ الاولیاء و مذلّ الاعداء»^۴

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۶.

۲- ر.ک مجموعه مقالات همایش امام حسین (اقتدار حسینی علیه السلام)، مجمع جهانی

اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۵؛ از مؤلف.

۳- دعای افتتاح.

۴- دعای ندبه.

هجرت

یکی از فرازهای برجسته زندگی حضرت زینب علیها السلام هجرت‌های اوست. مانند:

۱- هجرت از مدینه به کوفه و بازگشت از کوفه به مدینه؛

۲- از مدینه به کربلا؛

۳- از کربلا به کوفه و شام؛

۴- از شام به کربلا و به مدینه و در آخر از مدینه به شام

لذا در زیارت نامه او علیها السلام عرضه می‌داریم:

«السلام علیک ایتها البعیده من الاوطان»؛ سلام بر بانویی که از وطنش دور است.

امام مهدی علیه السلام نیز در توقیع شریفش به شیخ مفید (ره) اشاره به هجرت خود نموده، می‌فرماید: «نحن وان کنا ناوین بمکاننا النائی عن مساکن الظالمین، حسب الذی اراناہ الله تعالی لنا من الصلاح، ولشیعتنا المؤمنین فی ذلک، مادامت دولة الدنیا للفاسقین، فانا نحیط علماً بانبائکم»^۱؛

ما اگرچه هم اکنون در مکانی دور از جایگاه ستمگران سکنی گزیده‌ایم که خداوند صلاح ما و شیعیان با ایمان ما را مادامی که حکومت دنیا به دست تبهکاران می‌باشد در این کار به ما ارائه فرموده است، ولی در عین حال بر اخبار و احوال شما آگاهیم.

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

و این هجرت و سکونت در نقاط دور دست به دستور پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام است. امام عصر علیه السلام سفارش پدر را چنین بیان فرموده‌اند: «ان ابی علیه السلام عهد الی ان لا اوطن من الارض الا اخفاها و اقصاها، اِسْراراً لا مری...»

به درستی که پدرم با من عهد کرده‌اند که وطنی از زمین جز مخفی‌ترین و دورترین جای آن، انتخاب نکنم، تا این که امر خود را پوشیده سازم»^۱

بنابراین زینب علیها السلام و مهدی علیه السلام الگوهای بسیار مناسبی در مسائل اخلاقی برای پیروان خود ارائه داده‌اند که شایسته است مورد دقت قرار گیرد.



رهیافتها

رہیافت‌ها

حرکت و نحوه عمل حضرت زینب علیہا السلام دست مایہ‌ای برای بہتر
فہمیدن برخی از مباحث مہدویت است مانند:

۱- حضور زن؛

حضور حضرت زینب علیہا السلام در کاروان حسینی و نقش مہمیش در
راستای اطاعت از امام زمانش (امام سجاد علیہ السلام) و سرپرستی و
پرستاری، دست مایہ‌ای برای بہتر فہمیدن روایات نقش زنان در
دولت مہدی (عج) است.

با بررسی روایات درباره نقش زنان پیش و پس از ظہور حضرت
مہدی (عج) بہ نکات ارزندہ‌ای دست می‌یابیم کہ ہم آہنگ و ہمسو با
گوشہ‌ای از فعالیت‌های حضرت زینب علیہا السلام است: برخی از زنان آنچنان،
ثابت قدم و استوار بر مبانی ارزشی هستند کہ مردم را از خطر و فتنہ دجال
آگاہی و برحذر می‌دارند. ابوسعید خدری می‌گوید: «ہر جا دجال قصد می‌کند بہ
آنجا برود، زنی بہ نام لثیہ (طیبہ) پیش از او، خود را بہ آنجا می‌رساند و می‌گوید: دجال
بہ سوی شما می‌آید؛ از او دوری جوئید و از عاقبت کارش برحذر باشید»^۱

۱- فتن ابن حماد، ص ۱۵۱، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۶۰۲.

و مفضل بن عمر هم از نقش زنان در روز ظهور از صادق آل محمد صلی الله علیه و آله می پرسد، که امام صادق علیه السلام در این خصوص می فرماید: «زخمی ها را مداوا می کنند و از بیماران پرستاری می نمایند؛ هم چنانکه همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند»^۱.

اما آنچه مهم و ضروری تر است، نحوه حضور حضرت زینب علیها السلام در اجتماع قبل از حادثه خونین کربلاست. وقتی به حافظه تاریخ مراجعه می کنیم، حجاب و عفاف را یادآوری می کند که درس مهمی برای علاقه مندان و پیروان زینب علیها السلام است.

دکتر عایشه بنت الشاطی در این باره می گوید: «تاریخ درباره وصف رخسار زینب علیها السلام ساکت است و از آن ایام چیزی به ما نمی گوید؛ زیرا زینب در حجاب خویش مستور بوده و جز از پشت پرده نظاره بر او ممکن نبوده است»^۲.

علامه مامقانی رحمته الله در این خصوص می نویسد: «وهی فی الحجاب فریده لم یرشخصها احد من الرجال فی زمان ایها و اخویها الی یوم الطف»^۳ زینب در حجاب و عفاف یگانه است، احدی از مردان در زمان پدرش و برادرانش تا روز عاشورا او را ندیده بودند».

۱- دلائل الامامة، ص ۲۵۹، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۵.

۲- السیدة زینب، نویسنده این کتاب از قلم به دستان درجه اول زبان عرب و فرزند یکی از روحانیون مصر است. این کتاب تا کنون چندین ترجمه شده است که یکی از بهترین آنان، ترجمه سید رضا صدر با عنوان «بانوی کربلا زینب دختر زهرا علیها السلام» است.

۳- تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹.

تاریخ گواه است که امیرمؤمنان این شیوه را برای دخترش پسندیده بود. و این مطلبی نیست که تنها شیعه آن را گفته باشد. علمای اهل سنت نیز به این حقیقت، معترفند

خوشتر آن باشد که ذکر دلبران گفته آید در حدیث دیگران یحیی مازنی که از علمای اهل سنت است، می‌گوید: «مدتهای زیادی در مدینه، در همسایگی حضرت علی علیه السلام زندگی می‌کردم، اما به خدا قسم! ابدأ زینب را ندیدم و حتی صدای او را نشنیدم، حتی برای زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله شبها از خانه بیرون می‌رفت در حالی که علی علیه السلام پیشاپیش و حسن علیه السلام در سمت راست و حسین علیه السلام در سمت چپ او بودند.»^۱ براستی حجاب و عفاف دختر علی علیه السلام دست مایه و الگوی بسیار دقیق و ظریفی برای آخرالزمان است. در روایات زیادی، چهره زنان را در آخرالزمان متفاوت با سیمای عفاف زینب علیه السلام بیان می‌کند،^۲ که تنها وسیله‌رهایی از این گرداب سهمگین، تمسک به حجاب، عفاف و حیاء حضرت زهرا علیه السلام و دختر گرامیش حضرت زینب علیه السلام است.

امام زمان علیه السلام نیز این خط فکری و این حجاب و عفاف را می‌پسندد، و خواهرانی که در این مسئله مانند زینب علیه السلام هستند، قطعاً در زمان حیات و ممات مورد تأیید و مشمول عنایات امام عصر (عج) بوده و می‌باشند، که نمونه‌زیرگویای این حقیقت است.

۱- زینب الکبری، ص ۲۷، زندگانی حضرت زینب، دکتر علی قائمی، ص ۱۴۶، زینب

کبری علیه السلام، حسن الهی، ص ۱۰۰.

۲- ر.ک: روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۴۹.

مرحوم آیت‌الله سید محمدباقر مجتهد سیستانی رحمته الله در مشهد مقدس برای تشرّف به محضر امام عصر (عج)، ختم زیارت عاشورا را چهل جمعه، آغاز کرد، ایشان می‌گوید: «در یکی از جمعه‌های آخر، ناگهان نوری که از خانه نزدیک آن مسجد، می‌تابید، مشاهده کردم. حال عجیبی به من دست داد و از جای برخاستم، و به دنبال آن نور به آن خانه رفتم، خانه کوچک و فقیرانه‌ای بود که از درون آن، نور عجیبی می‌تابید! در زدم، وقتی درب را باز کردند، امام زمان (عج) را مشاهده کردم که بر سر جنازه‌ای هستند، و پارچه سفیدی نیز روی جنازه کشیده بودند.

اشک ریزان سلام کردم. حضرت علیه السلام به من فرمودند: «چرا این گونه به دنبال من می‌گردی، و این رنجها را متحمل می‌شوی؟ مثل این باشید (اشاره به آن جنازه کردند) تا من به دنبال شما بیایم! بعد فرمود: این بانویی است که در دوره بی‌حجابی (رضاخان پهلوی) هفت سال از خانه بیرون نیامد، تا مبادا نامحرم او را ببیند!»^۱

اصولاً حضور زن در اجتماع بر اساس آیات نورانی قرآن کریم به عنوان «اضطرار» و با شرایطی بیان شده است^۲، قرآن مجید علت حضور دختران حضرت شعیب علیه السلام را در جامعه آن روز، کهولت سن پدرشان بیان می‌فرماید: «ابونا شیخ کبیر»^۳ علاوه بر آنکه، آنها دو نفر بودند «امراتین» و با مردان اختلاطی نداشتند «من دونهم - لانسقی حتی یصدر الرّعاء».

۱- شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۵۸، ملاقات با طاووس بهشت حضرت مهدی (عج)، ص ۲۲۶.

۲- ر.ک: تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۷ و ۳۸.

۳- قصص، ۲۵.

۲- نیابت؛

شب عاشورا امام حسین علیه السلام و زینب علیہا السلام با یکدیگر گفتگو می‌کردند. بی‌تابی زینب علیہا السلام در پرتو گفتگو با امام حسین علیه السلام محو شد و دل دریایی او آرام گرفت، توفانها از جان او رخت بر بست و آفتاب شکیبایی بر جانش تابید.

زینب علیہا السلام از آن پس نیابت امام حسین علیه السلام را بر عهده داشت^۱ تا امام سجاد علیه السلام بهبود حاصل کند. این نیابت خاصه، افقهای بی‌پایانی در منظر زینب علیہا السلام گشود. شهید مطهری (ره) می‌نویسد: «از عصر عاشورا، زینب علیہا السلام تجلی می‌کند از آن به بعد رئیس قافله اوست.^۲ امام حسین علیه السلام به زینب علیہا السلام ماموریت داده بود که احکام دینی را از طرف امام سجاد علیه السلام برای بستگان تبیین کند. سالها بعد وقتی احمد بن ابراهیم بر حکیمه عمه امام حسن عسگری علیه السلام در سال ۲۶۲ وارد شد و از ورای حجاب سؤالات خود را مطرح نمود و حکیمه جواب داد، در پایان از او پرسید: حجت خدا کجاست؟ فرمود: در پشت پرده غیبت. پرسید: شیعیان به چه کسی پناه ببرند؟ فرمود: به جدّه، مادر امام حسن عسگری علیه السلام، پرسید: امام حسن عسگری علیه السلام در وصیت کردن به

۱- مرقد العقيلة زینب علیہا السلام، ص ۲۱.

۲- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۳۲. و در کتاب العیون العبری، ص ۵ آمده است: «و کانت زینب علیہا السلام لها نیابة خاصة عن الحسين علیه السلام و كان الناس يرجعون اليها في الحلال والحرام؛ زینب علیہا السلام از جانب امام حسین نیابت خاص داشت، و مردم در احکام حلال و حرام به او مراجعه می‌کردند، تا امام زین العابدین علیه السلام بهبودی حاصل نماید.

یک زن از چه کسی پیروی نموده است؟ فرمود: به امام حسین علیه السلام اقتدا کرده است، او نیز به زینب علیها السلام وصیت کرده بود.^۱

بهترین شاهد بر این نیابت، تصرف تکوینی، در بازار کوفه، به هنگام خطبه خواندن است، که با یک جمله علاوه بر خاموش کردن همه مردم، زنگهای شتران را نیز، ساکت و آرام کرد.

۳- حمایت

حفظ و حمایت معصوم علیه السلام به منزله نگه داشتن «واسطه فیض» و «ارکان عالم» است که نتیجه آن شامل همه موجودات می شود زینب علیها السلام، دختر حضرت علی علیه السلام است؛ کسی که با خوابیدن در بستر پیامبر در «لیلة المبیت» جان پیامبر صلی الله علیه و آله را حفظ نمود.^۲

او علیها السلام دختر زهراست، کسی که در حمایت از امام علی علیه السلام جانش را تقدیم ولایت نمود^۳ او نوه حضرت خدیجه علیها السلام است، کسی که با تمام وجود از نبوت حمایت نمود.

۱- غیبت طوسی، ص ۲۳۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۰۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۳.

۲- فریقین این فضیلت را نقل کرده اند، ابو جعفر اسکافی که از علمای اهل سنت است در این باره می گوید: این حدیث به تواتر ثابت شده است و هیچ کس انکار نمی کند مگر آنکه دیوانه باشد و همه مفسران ذیل آیه شریفه ﴿و من الناس من یشری﴾ این واقعه را نقل کرده اند. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۶۱، خ ۲۳۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۹۹، تاریخ ابن کثیر، ج ۲، ص ۴۲؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۳۱؛ احقاق الحق،

ج ۳، ص ۲۴، ج ۶، ص ۴۸۱؛ الغدیر، ج ۲، ص ۸۶.

۳- جهت اطلاع بیشتر ر.ک: چشمه در بستر، مسعود پورسیدآقایی.

جان نثاری و حمایت حضرت زینب علیہا السلام در واقعہ طف بسیار شگفت‌انگیز و حیرت‌آفرین است. او از فراز «وصایت و نیابت» چندین بار حامی و سپر امام زمانش علیہ السلام شد: او با حضورش در کاروان حسینی عظمت و جلالت خاصی به قافلہ بخشید و در روز عاشورا با سبقت بر امام حسین علیہ السلام و رساندن خود، بر بالای پیکر غرقہ به خون حضرت علی اکبر علیہ السلام حمایت عظیمی را به منصہ ظہور گذاشت.

□ هنگامی کہ صدای علی اکبر «یا ابتاه علیک منی السلام»^۱ در میدان طنین افکن شد. امام حسین علیہ السلام سوار بر اسب و حضرت زینب علیہا السلام پای پیادہ سوی میدان شتافتند، و زینب علیہا السلام شتابان^۲ خود را زودتر بہ عزیز برادر رساند.

مرحوم سید نورالدین جزائری در خصائص زینبیه می‌نویسد:

«چون حضرت سیدالشہداء رسید، اول نظرش بہ خواہر افتادہ! و از فرط غیرت ناموس داری، ابتدا خواہر را بہ خیمہ برگردانید و دوبارہ خود مراجعت نمود. و در حقیقت این تدبیر زینب، مانع از سکتہ نمودن برادر شد.»

□ هنگامی کہ صلائی حسینی؛ «هل من ناصر ینصرنی» ارکان عالم را بہ لرزہ درآورد، امام چہارم علیہ السلام، افتان و خیزان وارد صحنہ نبرد شد. و

۱- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۴؛ مقتل مقرر، ص ۴۴؛ علی اکبر، ص ۸۴.

۲- ترجمہ مقتل ابی مخنف، ص ۱۲۹.

این زینب علیها السلام بود که با بازگرداندن او به خیام، دودمان امامت را حفظ و حراست نمود.^۱

□ بعد از ظهور عاشورا، هنگامی که شمر ملعون، قصد کشتن امام علیه السلام را داشت، زینب علیها السلام سراسیمه جانش را سپر بلا نمود و فریاد برآورد: «تا من زنده هستم، نمی‌گذارم جان زین العابدین علیه السلام در خطر افتد، اگر می‌خواهید او را بکشید، اول مرا به قتل برسانید» و دشمن منصرف شد.^۲

□ بعد از آتش گرفتن خیمه‌ها زینب سراسیمه خود را به آتش می‌زند و امام زمان‌اش را از میان شعله‌های آتش نجات داد.

□ زینب علیها السلام با صبر و شکیبایی و دل‌داری و یادآوری حدیث ام‌ایمن^۳ به یاری امام سجاد علیه السلام شتافت.^۴ و عرضه داشت: «مالی اراک تجود بنفسک یا بقیة الماضین»^۵

□ و آن هنگام که فرماندار ناپاک کوفه؛ «عبیدالله بن زیاد» دستور

۱- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۶؛ ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۹۱.

۲- نفس المهموم، ص ۲۰۵؛ ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۱۰۸.

۳- ام‌ایمن: خدمت‌گزار آمنه و پرستار رسول خدا صلی الله علیه و آله است که پیامبر او را عضو خانواده و مادر خود می‌خواند و به او احترام و محبت بسیار می‌نمود، این زن با فضیلت راوی حدیث بوده و در جنگ‌های احد، حنین و خیبر شرکت داشته است. الاصابة، ج ۴، ص ۴۳۲؛ اعلام النساء المؤمنات، ص ۲۵۲.

۴- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۰.

۵- کامل‌الزیارات، ص ۲۶۱، مقتل مقرر، ص ۲۰۰.

قتل امام علیه السلام را صادر کرد، خروش زینب علیها السلام بود که دشمن را وادار به عقب نشینی کرد، او فریاد برآورد: «حسبک من دمائنا... واللّه لا افارقه، فان قتلته فاقتلنی معه»^۱ ای پسر زیاد! خونریزی بس است، دست از کشتن خاندان ما بردار! نمی‌توانی بینی که حتی یک نفر از دودمان ما زنده باشد؟ به خدا هرگز او را رها نخواهم کرد، تا اگر می‌خواهی او را به قتل برسانی، خون مرا هم با خون او بریزی!

□ همچنین او با سرپرستی کاروان اسرا به حمایت از امام محمد باقر علیه السلام که آن زمان طفلی سه ساله بود نیز همت عالی گماشت. ما نیز در عصر غیبت نسبت به مولی و سرورمان وظایف و مسئولیتهایی داریم.^۲ یکی از وظایف، حمایت از امام زمان علیه السلام است. منتهی چگونگی حمایت و یاری امام عصر (عج) بر حسب زمانها و مکانها متفاوت است. حمایت از ایشان، گاهی با ذکر فضائل و صفات و دلائل و معجزات و نشانه‌های اوست و گاهی هم با دعا کردن برای تعجیل فرج و سلامتی اوست. آنچه از حضرت زینب علیها السلام برای این عصر می‌توان آموخت، تصمیم و اقدام عملی برای شناختن و شناساندن و حمایت و یاری همه جانبه امام زمان علیه السلام است، دست کشیدن از آرزوها و هوسها و یاری دین خدا و ولی او، مهم‌ترین نوع حمایت از امام زمان (عج) است.

۱- لیهوف، ص ۹۶؛ ارشاد مفید، ص ۲۴۴، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۷.

۲- ر.ک: مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۸۱-۵۶۸ که ایشان هشتاد وظیفه را بیان کرده است.

ثقة الاسلام محمد بن يعقوب كليني رحمته الله در روضة كافي به سند خود از عبدالحميد واسطی آورده كه گفت: به حضرت ابوجعفر امام باقر عليه السلام عرضه داشتم: به درستی كه ما در انتظار اين امر بازارهايمان را ترك گفتيم تا جایی كه بیم آن می رود كه بعضی از ما به گدایی افتند! حضرت عليه السلام فرمود:

«ای عبدالحميد! آیا می پنداری هر كس خودش را در راه خداوند وقف كرد، خداوند برایش راه درآمدی قرار نخواهد داد؟...»^۱

بنابراین باید گفت: هر كس به این وظیفه مهم عمل كند. در دنیا و آخرت سعادت مند و سرافراز است و همواره، سرتاسر زندگی اش همراه با بركات و عنایات مادی و معنوی امام عصر (عج) توأم است. یقیناً، آنها احتیاج به كمك و یاری ما ندارند. بلکه ما محتاج عنایت این خاندان هستیم.

۴- یالثرات؛

اگر شعار «یالثرات» توسط گروه توابین و قیام مختار بعد از فاجعه كربلا مطرح شد، همه می دانند مرهون خطبه های آتشین حضرت زینب علیها السلام است كه اثرش تا ظهور حضرت مهدی عليه السلام ادامه دارد. زیرا شعار لشكر امام مهدی عليه السلام هم «یالثرات الحسین» است.^۲

۱- روضة الكافي، ج ۸، ح ۳۷.

۲- امام صادق عليه السلام: «شعار هم یالثرات الحسین...» مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۴، ب ۴۷، ح ۷؛ نجم ثاقب، ص ۴۶۹.

به عبارت دیگر: انتقام و خون خواهی بعد از واقعه عاشورا وام دار نقش حضرت زینب علیہا السلام است و هنگامی که منتقم این خاندان قیام نماید، بار دیگر خطبه‌های حضرت زینب علیہا السلام در خاطرہ‌ها زنده می‌شود و قیام امام مهدی علیہ السلام لیبیکی گویا به خواسته‌های عمه بزرگوارش است اگر در طول تاریخ، عده‌ای شعار «یالثارات» سر دادند، منتهی به تمام معنی پیروز نشدند. یاران امام مهدی علیہ السلام برای آخرین بار، طنین شعار «یالثارات» را در جهان به گوش جهانیان می‌رسانند و غمی که سالها، قلب زینب علیہا السلام را جریحه دار کرده است التیام می‌بخشند.

۵- معرفت امام؛

تمام خطبه‌های زینب علیہا السلام در راستای معرفت امام است که در حقیقت دمیدن روح حیات به جامعه بشری است خطبه‌های او معنایش این است، چرا امام خود را نشناختید و بر علیه او شمشیر کشیدید؟ از این به بعد سعی در معرفت امام علیہ السلام نمائید، و این مسئله رہیافتی برای معرفت امام عصر (عج) است. چرا که «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة»^۱: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، [علاوه بر زندگی جاهلی] به مرگ جاهلیت می‌میرد».

امروزه اگر شخصی سخنان حکیمانه دختر حضرت علی علیہ السلام را دنبال

۱- علامه مجلسی رحمۃ اللہ علیہ در بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۶-۹۳ بابتی را با همین عنوان قرار داده و چهل حدیث را به همین معنا از راویان بسیار روایت کرده، که الفاظ آن نزدیک به هم است.

کند نتیجه‌اش این است که در صف یاران امام زمان علیه السلام و در مقابل دشمنان این خاندان قرار می‌گیرد.

امام زمان علیه السلام خطبه‌های عمه‌اش را بسیار دوست دارد و در تشریفی که آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله خدمت ایشان مشرف شده بودند دستور دادند که خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام را حفظ کنند.^۱

خاتمه: توسل

عمه سادات حضرت زینب علیها السلام نزد خداوند متعال آبرویی عظیم دارد، آیه‌الله العظمی میرزای قمی صاحب کتاب «قوانین الاصول» (متوفی ۱۲۳۱) که از مراجع برجسته و صاحب کرامات باهره است و امروزه مرقدش در قبرستان شیخان قم پناه حاجت مندان است برای نام مبارک و مقدس حضرت زینب علیها السلام قائل به تأثیر خاصی بود. وی واسطه قرار دادن نام او را در بین خود و خدا موجب استجاب دعا می‌دانست.^۲ لذا مناسب است به او توسل جوییم و مهم‌ترین خواسته خود (فرج) را با شفاعت او در خواست نماییم.

مرحوم فیض الاسلام (صاحب ترجمه نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و...) که دارای عمر با برکتی بود و کتابهای بسیاری ترجمه و تالیف نمود، در مقدمه کتاب «خاتون دوسرا» ترجمه کتاب «سیدتنا المعصومة

۱- ر.ک: عنایات امام زمان علیه السلام به آثار امام حسین، ص ۱۶.

۲- حضرت زینب فروغ تابان کوثر، ص ۳۰۹.

زینب علیها السلام الکبری «می نویسد:

به مرضی مبتلا شدم و مداوای پزشکان بی اثر بود. برای طلب شفا به همراه خانواده به کربلا رفتم ولی نتیجه نگرفتم از آنجا به نجف اشرف رفتم و متوسل به ذیل عنایات حضرت علی علیه السلام شدم ولی بیماری مرا در فشار سخت قرار داده بود، تا اینکه در نجف اشرف یکی از دوستان که از زائران بود مرا با عده‌ای از علما به خانه‌اش دعوت کرد، به خانه او رفتیم در خانه او یکی از علما فرمود:

پدرم می‌گفت هر گاه حاجت و نیازی داری خداوند را سه بار به نام حضرت زینب کبری علیها السلام بخوان که بدون شک خداوند خواسته ات را روا می‌سازد. من سه بار خداوند را به مقام حضرت زینب علیها السلام خواندم و شفایم را از خداوند خواستم. علاوه بر آن نذر کردم که اگر سلامتی خود را باز یافتم کتابی در شرح زندگی حضرت زینب علیها السلام بنویسم. سپاس خدا را که پس از مدتی کوتاه شفا یافتم. سپس با یاد آوری یکی از دخترانم، به نذر خود وفا کردم و این کتاب را نوشتم.^۱

توصیه امام زمان علیه السلام به دعای فرج به حرمت حضرت زینب علیها السلام

حضرت صاحب الزمان (عج) نیز از ما خواسته به حرمت عمه بزرگواش خدا را قسم بدهیم. آیه‌الله حاج میرزا احمد سیبویه می‌گوید: «در روزگاری که افتخار تشرف و زندگی در سامرا را خدای پر

مهر روزیم ساخته بود، عصر روز جمعهای به سرداب مقدس رفتم و دیدم خلوت خلوت است و هیچ کسی در آنجا نیست، حال خوشی دست داد و زبان به راز و نیاز گشودم.

الهی بی پناهان را پناهی بسوی خسته حالان کن نگاهی
چه کم گردد زسلطان گر نوازد گدایی را زرحمت گاهگاهی^۱
آری درست در شور و حال بودم که صدایی مرا به سوی خود کشید.
خدایا! این صدای کیست؟!

به سوی مقام مقدس صاحب الزمان (عج) روی آوردم و گوش سپردم دیدم به فارسی روان می فرماید: «به شیعیان و دوست داران ما بگو که خدا را به حق عمه ام زینب علیها السلام و به حرمت او سوگند دهند و فرج مرا از خدا بخواهند تا ظهور را نزدیک فرماید»^۲.

پس خدایا به حق زینب علیها السلام، به حرمت زینب علیها السلام، به مقام زینب علیها السلام فرج مولایمان را نزدیک تر بفرما! خدایا به اسرار غمهای زینب علیها السلام در ظهور حضرتش تعجیل بفرما! آمین رب العالمین.

گفتنی است در توسل به حضرت مهدی علیه السلام هم، قسم دادن حضرتش به عمه بزرگوارش بسیار کارگشا می باشد:
مرحوم آیت الله سید کاظم قزوینی فرمودند:

۱- این اشعار ۱۲ بیت است.

۲- شیفتگان حضرت مهدی (عج)، ج ۱، ص ۲۵۱، دیدار یار، ج ۳، ص ۳۲۹.

یک وقتی در استرالیا بودیم و دوستی داشتیم به نام آقای سید قاسم جمعه که جهت معالجه فرزندش به آنجا آمده بود و در یکی از بیمارستان‌های بسیار مجهز و معروف شهر سیدنی او را بستری کرده بود. یک روز سراسیمه و بسیار مضطرب به محل اقامت ما آمد. وقتی سبب ناراحتی‌اش را پرسیدم گفت: دکتر معالج فرزندم، وضع او را وخیم توصیف می‌کند، حالا نمی‌دانم چکار کنم؟ آیا او را به بیمارستان دیگری منتقل کنم یا دنبال دکتر دیگری بگردم؟ خلاصه مانده‌ام که چه کنم!

به او گفتم: هیچ یک از این کارهایی که گفتم لازم نیست انجام دهی، فقط کاری را که می‌گویم سعی کن با اخلاص کامل و حضور قلب انجام دهی.

او در حالی که از محکم صحبت کردن من تعجب کرده بود به من گفت: شما بفرمایید چه باید بکنم! قول می‌دهم کوچک‌ترین تخطی از گفته‌های شما نداشته باشم، من حاضرم برای نجات پسرم هر کاری که باشد انجام دهم.

گفتم: برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام عریضه‌ای بنویس و بهبودی فرزندت را از آن حضرت درخواست کن.

گفت: چطور باید عریضه بنویسم؟! شما تفصیل آن را بفرمایید تا من این کار را انجام دهم.

به او گفتم: فرض کن همین حالا به تو اجازه داده شده است که خدمت آن حضرت بررسی و درخواست شفای فرزندت را از آن حضرت بنمایی، به هر صورت که خودت دوست داری این کار را انجام بده. بعد خدا حافظی کرد و از پیش ما رفت؛ ساعتی نگذشته بود که دیدم برگشت و مطلبی را که نوشته بود با خود آورد و آن را به من داد و گفت: ببینید این گونه نوشتن مناسب است؟

دیدم در آن عریضه با تعبیر مختلفی صحت و سلامتی دوباره فرزندش را درخواست نموده است و از جمله نوشته بود: آقا جان شما را قسم می‌دهم به لباس‌های عمهات زینب علیها السلام^۱ در این دیار غربت، امید مرا ناامید مکن، پسر مرا شفا بده، راضی نباش که تنها و دست خالی به وطن برگردم و...

وقتی مطالب عریضه او را خواندم، در دلم خطاب به امام زمان علیه السلام عرض کردم: آقا جان از در خانه شما هیچ کس دست خالی برنگشته و بر نمی‌گردد، این مؤمن را هم که امیدش از همه جا قطع است و این گونه به عنایت شما امیدوار شده است ناامید نفرمایید.

بعد به او گفتم: متن عریضه هیچ ایرادی ندارد، ان شاء الله آقا عنایتشان شامل حال شما می‌شود و با سلامتی کامل به همراه فرزندت پیش خانواده بر می‌گردد.

۱. در بین عرب‌ها این تعبیر بسیار رایج است.

یادم هست که فردای همان روز حدود ساعت هشت و نیم صبح بود که از بیمارستان به ایشان زنگ زده بودند که آزمایشات از رفع خطر و بهتر شدن حال مریض حکایت دارد. و بعد که از سلامتی کامل او مطمئن شدند او را از بیمارستان مرخص کردند. به این ترتیب حال آن پسر بچه علیرغم داشتن یک بیماری صعب العلاج روز به روز بهتر شد و این در حالی بود که اغلب پزشکانی که او را معاینه کرده بودند و یا نتایج آزمایشاتش را دیده بودند، با ناباوری این پیشامد را دنبال می‌کردند. چون با توجه به تجربیات و معیارهای عادی علمی، چنین پیشامدی به نظر آنها حداقل در این مرحله از معالجات غیر ممکن بود.

به هر حال از آن تاریخ تا الآن که جریانش را تعریف می‌کنم، حدود پنج سال می‌گذرد که به لطف خدا و عنایت حضرت صاحب الزمان علیه السلام فرزند آقای جمعه در کمال سلامتی و تندرستی به زندگی خود ادامه می‌دهد و الحمدلله اثری هم از آن ناراحتی در ایشان وجود ندارد.^۱ لذا بسیار شایسته و مناسب است که عاشقان آقا بقیةالله (عج) به یاد و نام و مجالس حضرت زینب علیها السلام باشند که قطعاً مورد توجه امام زمان علیه السلام است.

آیت‌الله العظمی بهجت می‌فرمودند:

۱. عریضه نویسی، ص ۵۲.

طلبه‌های مبتدی به نام سید حسین یزدی، خانه‌ای می‌خواستند، در مسجد مقدس جمکران، توفیق زیارت حضرت حجت (عج) پیدا کردند. حضرت به ایشان، خانه‌ای مرحمت فرمودند و مطالب و سفارشات نیز بیان فرمودند.

یکی از مطالبی که مناسب با این مقام است، این است که حضرت علیه السلام به مجلس دعای ندبه‌ای که آن سید طلبه می‌رفتند، اشاره نموده و فرمودند:

«آن را ترک نکن و مصائب عمه بزرگوارم حضرت زینب علیها السلام را در آن مجلس و جاهای دیگر تذکر دهید.»^۱

سفارش امام زمان علیه السلام به روضه خوانی حضرت زینب علیها السلام

قطعاً مجالس حضرت زینب علیها السلام و زینبیه‌ها، مکان‌هایی است که مورد توجه و عنایت آخرین حجت الهی علیه السلام است. و ایشان بارها روضه‌خوانی برای حضرت زینب علیها السلام را سفارش فرموده‌اند که نمونه زیر گویای این حقیقت است:

یکی از متدینین تهران روزی وارد روستای «چکنه» در اطراف قوچان شده و جویای احوال سیدی می‌شود. اهالی روستا به او می‌گویند: که سید تعدادی گوسفند را به خارج روستا برده و عصر بر

۱- مسجد مقدس جمکران، ص ۵۵؛ ملاقات با طاووس بهشت حضرت مهدی (عج)، ص ۲۳۲.

می‌گردد. ایشان تا عصر صبر می‌کند تا سید بر می‌گردد، وقتی او را می‌بیند، می‌گوید: شناسنامه‌ات را به من بده که مأمور هستم، امسال تو را همراه خودم به حج ببرم.

سید تعجب کرده و علت را جویا می‌شود. ایشان در جواب می‌گوید: پریشب در عالم رویا خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیدم. حضرت به من فرمودند: اگر می‌خواهی، امسال، حج تو مورد قبول درگاه پروردگار واقع شود، فلان جا، فلان فرزند مرا هم که آرزوی زیارت خانه خدا و مدینه را دارد، همراه خودت بیاور. من هم طبق نشانی‌ها دنبال شما آمدم...

خلاصه سید رهسپار کوی دوست شد، ولی در صحرای عرفات او را گم می‌کنند، در مشعر، منی و دیگر جاها به دنبال او می‌گردند، ولی او را نمی‌یابند، تا این که بعد از اعمال، وقتی به مکه بر می‌گردند، ایشان را مجدداً در کاروان می‌بینند. از او می‌پرسند: کجا رفته بودی؟ چه می‌کردی؟ سید می‌گوید: «روز عرفه در صحرای عرفات، آقای بزرگواری به من نزدیک شدند و فرمودند: بیا اعمال‌ات را با من انجام بده، من هم بی‌اختیار همراه آن آقا رفتم».

از سید می‌خواهند که بیشتر برایشان تعریف کند. او می‌گوید: جریان‌ات زیاد است ولی آنچه من مجاز به گفتن آن هستم، این است که، چون من در محضر امام زمان علیه السلام علاقه‌مندی خودم را به

اهل بیت علیهم السلام ابراز کردم. حضرت علیها السلام به من فرمودند:

«به مردم بگوئید برای عمه‌ام زینب علیها السلام که بسیار مظلومه است زیاد روضه بخوانند و گریه کنند».^۱

در خاتمه همگی دست به دعا برداشته و از پروردگار متعال، تنها آرزوی قلبی خودمان را عرضه می‌داریم؛

مهیمنان! به حرمت و جلال دخت گرمی حضرت زهرا علیها السلام؛ حضرت زینب علیها السلام قسمت می‌دهیم، در فرج و ظهور یوسف زهرا علیها السلام؛ مهدی فاطمه علیها السلام تعجیل بفرما! و اسامی تمام کسانی که در چاپ این اثر، زحمت کشیده، و نام همه خوانندگان گرمی را - تفضلاً - در لیست فائزین به دیدار حضرتش در دوران حکومت حق‌ه‌اش، ثبت و درج بفرما!

از جان گذشته‌ایم و به جانان رسیده‌ایم

در راه وصل، این تن خاکی عدوی ماست

خاموش گشته‌ایم و فراموش کی شویم؟

بس اینقدر که، در همه جا گفتگوی ماست^۲

۱- دیدار با امام زمان (عج) در مکه و مدینه، ص ۱۳۶.

۲- مهدی بهاء‌الدین ر.ک: حسین پیشوای انسانها، ص ۴۷.